

میرزا علی خان امین الدوله

امین الدوله تقریباً در تمام جهات به چنین بندبست‌ها رسید و چون کسی نبود که در برابر کهنه فکran و بدخواهان مبارزه جوئی و پایداری کند، میدان را خالی کرد، خود را کنار کشید.

مدت صدارت او را ده ماه و هشت روز نوشته‌اند؛ بعد از برکناری شهر را ترك می‌گوید بملك شخصی خود (خوردین) در شیران می‌رود، امین الدوله اندکی بعد بگردش بیرون ایران می‌رود پس از دیداری از کشورهای گوناگون به خاك میهن باز می‌گردد، در ۶۳ سالگی شب جمعه ۲۶ صفر ۱۳۲۲ با بیماری کلیه دیده از جهان فرومی‌بندد. از مرگ او روزنامه‌های خارجی اظهار تأسف می‌کنند و از او به نیکی یاد می‌نمایند (۱)

ملك الشعراء بهار عقیده دارد به امین الدوله زهر خورانده‌اند (۲) ولی بیگمان این حدس نادرستی است بدلیل اینکه این زمان که آغاز دوران بیداری و جنبش ایرانیان بود. مقتضی چنین ترورهای پنهانی نبود، آنهم هفت سال پس از زمامداری امین الدوله.

و انکهی خویشاوندی امین الدوله با شاه و روحیه ملایم مظفرالدینشاه اجازه چنین کارها را نمی‌داد. اضافه می‌کنم که خاندان امینی جزء دستگاه حاکمه و الیگارشی ایران بود، و این زمان که آزادی قلم نسبی وجود داشت از آنهمه نویسندگان و مورخان و محققان و روزنامه‌نگاران داخلی و خارجی جز بهار کسی بدین مطلب اشاره نکرده و از سوی خاندان امینی نیز این خبر تأیید نشده است.

قائم‌مقام و امیر کبیر و حتی سپهسالار تا بدانجا در راه عقاید خود پابرجا بودند که آنان را از کار برکنار کردند و بلافاصله نقشه ترور آنان را چیدند. ولی امین الدوله درست وضع معکوسی داشت وقتی، می‌خواهد کناره‌گیری کند مظفرالدینشاه به منزل او می‌رود، با سوگند به قرآن قول حمایت و تقویت او را میدهد و اصرار می‌کند استعفا ندهد، امین الدوله می‌گوید: صلاح شما در اینست من از کار خارج شوم (۳) باینجهت کسروی می‌نویسد (امین الدوله با همه نیکی مرد دلیر و توانایی نبود و گرنه با اینهمه استانی که شاه با او داشته به سختی‌ها چیره درآمدی).

بعد از برکناری قائم‌مقام و امیر کبیر کسان و خویشاوندان آندو چون جذامیه‌ها مورد آزار و نفرت بودند. رهائی نزدیکان آنان از مرگ به معجزه شباهت داشت ولی نه تنها بنخود امین الدوله آزاری نرسید، بهنگام صدارت جانشین و رقیب سرسخت او (اتابک) وزارت - خانه‌های وظایف و اوقاف و پست در اختیار برادر و پسرش (مجدد الملك دوم و امین الدوله دوم) قرار گرفت.

امین الدوله در ۱۵ محرم ۱۳۱۶ از صدارت کناره می‌گیرد به لشت و نشاء ملك خود درگیلان می‌رود؛ بی آنکه بموقعیت مالی او و حتی به معادن منجمله امتیاز سنگ مرمر فارس اولطمه وارد شود (۴) به استراحت می‌پردازد.

۱ - روزنامه حبل‌المتین شماره ۳۸ - ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲

۲ - مجله یفما شماره مسلسل ۱۱۰ صفحه ۲۵۶ - ۳ - خاطرات امین الدوله ۲۶۶ - ۲۷۳

۴ - سفرنامه تهران بشیر از نظام‌الملک صفحه ۲۵۲ (دفترهای ۱ - ۴ جلد ۱۳۴۴) (۱۳۴۴)

فرهنگه ایرانزمین ۵ - افضل‌التواریخ خطی جزء ۳۴

پس از کناره گیری موافقان و مخالفان وی تظاهراتی می نمایند .

حکیم الممالک ۱۵ محرم را روزشادی و عید مردم میداند ولی عبدالله مستوفی این گروه خوشحال را (مردم منفعت پرست (۱) معرفی می کند افضل الملک بر کناری امین الدوله را بر اثر دسته بندی گروهی از رجال و درباریان که در رأس آنها (حسینقلی نظام السلطنه ، محسن مشیر الدوله ، حکیم الملک) قرار داشت می نویسد امین الدوله روز یکشنبه ۱۵ محرم بدربار می آید، شاه با وی مدتی محرمانه گفتگو میکند ، بدنبال گفتگو او که فکر می کردند معزول است دوباره بکار مشغول می گردد . ولی وقتی از دربار خارج می شود مردم علیه او دست به تظاهرات میزنند . مورخ کرمانی نخست تظاهر را چنین شرح میدهد : (از دیوانخانه و عمارت سلطنتی بیرون آمده خواستند سوار شوند و بمنزل روند سیدی پریشان حال که در ارك ایستاده بود در کمال جرأت و جلالت مثل اینکه مسبوق به عزل امین الدوله بود نهایت بی احترامی را بیجناب امین الدوله کرده و دشنام داد و بدگفت او چیزی جواب نداد). سپس در انعکاس بر کناری وی می نویسد : (درعزل این صدورالاقبار جمیع این ایران از رجال و نسوان شیوخ و صبايان ، علماء و وزراء و شاهزادگان و تجار و کسبه و اشخاصی که بهیچوجه طرف نفع و ضرر مورد خیر و شر نبودند اقدام داشتند مردم را رعب و هراس گرفته بتخریب کارونفرین و بدگویی این صدر می کوشیدند (۲) .

بدنبال این مطالب می افزاید (بنندگان اقدس همایون که مردم را رنجیده خاطر دیدند وی را معزول کردند تمام مردم ایران به استثنای سی چهل نفر از عزل وی خوشحال شدند و بشاشت ها کردند و تهنیت ها بیکدیگر دادند مضمون ها و گفته ها و شعرها ساختند که من آن مذاکرات را با اشعار درج نمیکنم و این مرد بزرگ و عاقل را ضایع نمی سازم (۳) . بطور قطع پاره ای از این تظاهرات ساختگی و ناشی از بعضی اعمال اصلاح طلبانه امین الدوله بوده است چنانکه همین مورخ در جای دیگر از نحوه کنترل و پرداخت حقوق دولتیان و درباریان گفتگو می کند سپس دوپهلوی نتیجه می گیرد : (اگر اول چاه را کنده و بعد منار را دزدیده بود کار باین هرج و مرج نمی کشید (۴) معتقد است اگر خویشاوندی وی باشاه نبود مردم ناراضی خانه او را غارت میکردند (۵) تکیه کلام امین الدوله در صحبتها کلمه (بالطبیعه) بود مخالفان با استفاده از آن کلمه در عزلش سروده اند :

تا بر امیر الدوله صدارت رقیبه شد
صادر از او بسی حرکات شنیبه شد
اندر صدارتش در جات بلند یافت
اکنون که عزل از آن در جات رقیبه شد
بیجاست گرز شاه بر نجد بدین جهت
کاین عزل هم بقول خودش با الطبیعه شد

امین‌الدوله سیاستمداری پخته و کاردان و کاربین و آگاه به رموز و اصول کار بود . او بخوبی می‌دانست نوسازی ایران نیاز به چه چیزها دارد ، او ماهیت دستگاه حاکمه و راه مهار کردن نیروهای ضدملی و پلید را میدانست فقط یک کمبود سیاسی داشت او بدانند قائم مقام و امیر کبیر نبود که از سقوط دستگاه نترسد و با سیاست حفظ و وضع موجود (Status Quo) مخالف باشد .

امین‌الدوله یک بورژوازی بزرگ و ثروتمند پر قدرت ، یک اشرافی تمام عیار بود او یکی از بنیادها و پایه‌های هیأت حاکمه بشمار می‌رفت ، بنابر این نباید چنان ضربه بدستگاه سیاسی زندگانه باسقوط آن خود نیز ساقط گردد .

ناصرالدین شاه در شش سال پیش در (۱۳۰۶) بیول آنروز ثروت امین‌الدوله یک میلیون و عواید سالانه او را شصت هفتاد هزار تومان می‌نویسد (۱) معیر الممالک امین‌الدوله را از شیک پوشهای آنروز همیشه با پیراهن دوخت فرنگ و کراوات معرفی می‌کند درباره کاخ او و پارک وسیع و باصفاش شرح میدهد (در یک قسمت آن دریاچه‌ای ساخته بود و چند فواره داشت ، سه چهار قایق عالی و مجهز کنار آن همیشه برای تفریح آماده بود گلخانه و آلاچتها ، حوضها و گلکاری‌های زیبا جلوه و شکوه باغ را تکمیل می‌کرد) این پارک که با طرح طرز انبیه فرنگ ساخته شده بود دارای یک قنات جداگانه بود (۲) یک آموزگار فرانسوی استخدام و به ایران آورده بود . (۳) .

ولی در این کاخ چون دو کجا و کنت‌های فرانسوی زندگی می‌کرد ، ضیافت‌های سیاسی و پارتی‌های پر عشرت توأم با رقص و محافل بالماسکه او همراه مطربان ، رقاصان و زنان فرنگی و بقول اعتماد: سلطنته رقصهائی که (چنگ بدل می‌زدند) معروف بود .

بقول معیر الممالک

(او اول کسی بود در ایران پارک ساخت و این لفظ را امتداد اول کرد) تشریفات نوکر بایی فرنگی و تجملات غربی را معمول ساخت چنین کسی چگونه می‌توانست علیه دستگاه حاکمه که خود از مهره‌های حساس آن بود گامی بردارد و بقول خود پوینده



- ۱ - روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه صفحه ۸۸۱
- ۲ - رجال عصر ناصری (یغما شماره ۹۳ سال ۱۳۴۰)
- ۳ - مآثر الاثار ۹۰ - ۸۹

راه (امیر کبیر) شود . سیاست محافظه کاری ، دست و پای لرزنده او در رفرمیسمن ناشی از این منافع طبقاتی بود .

او جزء طبقه الیکارشی و معدودی از خاندانهای حکومتگر ایران بود که نظر یلتیکی او از تضعیف استبداد فردی چیرگی گروه اشراف و باصلاح درست تر انتقال حکومت از (منارشی) به (الیکارشی) بود . او نمی خواست فعالیت از مرحله الیکارشی به مرزهای دموکراسی برسد . او می خواست پایگاه سلطنت تضعیف گردد ولی بجای فرد قدرت جمع نشینند ، بجای حکومت فردی قدرت در کف گروه کمی از لایه های اشراف یعنی (الیکارشی) قرار گیرد .

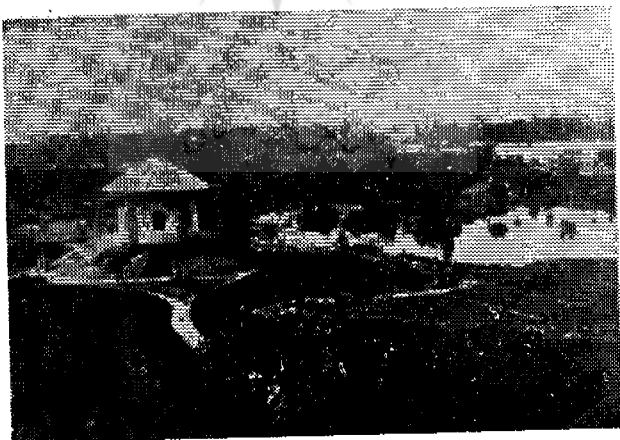
نهایت يك مشت اشراف كوته فكر ، كهنه اندیش نمی توانستند كار اورادرك كنند . بعقیده نگارنده امین الدوله بزرگترین خادم (الیکارشی ایران) پاسدار حقوق طبقه ای بود که از سالیان دراز نگاهدارنده قدرتهای فردی و دیکتاتوری بودند آرزو داشتند این دیکتاتوری فردی را به دیکتاتوری گروهی تبدیل نمایند .

ولی باید دانست انگیزه اصلی فسو افتادن امین الدوله گرفتاریهای دیپلماسی انگلستان در سایر نقاط دنیا منجمله درگیری با بوئرهای استقلال طلب و ضد استعمار در آفریقا ، وحشت و هراس روسیه تزاری از راست گرایی ایران بود .

لرد لنزدئون Lovd Lansdown در کتاب خود این گرفتاری استعمار را بخوبی شرح داده است (۱) در چنین لحظه ادبام امین السلطان شاه ترسو بقول کلنل - کاساکوفسکی (آبیچی مظفر) را در فشار گذاردند (روسها قشون به عشق آباد حاضر و پشاه پیغام دادند بقای امین الدوله در صدارت با سیاست دولت امپراطوری منافی است اگر ادامه پیدا کند روز بروز بروخامت و تیرگی روابط خواهد افزود ۲) .

باد تند شمال از سوئی نرسیدن آب استعمار سیاه به ریشه های پیچك امین الدوله اذگر سو سبب شد این پیچك فرو خشکید و پیکر ایران را رها کرد .

(ادامه دارد)



پارك امین الدوله پیکره ابوالفتح خان رئیس پارك (در صفحه ۱۱۷)